دزدان ۶ میلیاردی بازداشت شدند

اعضای باندی که با دستبرد به چند خانه در کرج ۶میلیارد تومان پول و طلا سرقت کرده‌اند بازداشت شدند.

به گزارش جوان، سرهنگ محمد نادربیگی رئیس پلیس آگاهی استان البرز گفت: چندی قبل شکایت‌های مشابهی درباره سرقت گاو صندوق، طلا و جواهرات از خانه‌های شاهین ویلا، حصارک، دهقان ویلا به پلیس آگاهی کرج گزارش شد. مأموران پلیس آگاهی در جریان تحقیقات میدانی و بررسی دوربین‌های مداربسته موفق شدند یکی از متهمان را شناسایی و بازداشت کنند. متهم در بازجویی‌های فنی به سرقت‌های سریالی اعتراف کرد و گفت از مدتی قبل با همدستی دو نفر از دوستانش باند سرقت را تشکیل داده‌اند. وی گفت: یکی از اعضای باند از مجرمان حرفه‌ای و سابقه‌دار است که مهارت زیادی در سرقت از منازل دارد. وی گفت: بعد از شناسایی منازل مورد نظر گاوصندوق‌ها را سرقت و به مخفیگاهمان منتقل و پول و طلاهای داخلش را سرقت می‌کردیم. متهم گفت: ما در این مدت ۲۰ گاوصندوق سرقت کرده و ۶میلیارد تومان پول و جواهرات به جیب زدیم. با اطلاعاتی که متهم در اختیار پلیس گذاشت تحقیقات برای بازداشت دو همدست وی به جریان افتاد. بررسی‌ها نشان داد که دو عضو باند پس از دستگیری متهم از محل متواری شدند. همچنین مشخص شد که متهمان با فرار به یکی از روستاهای غرب کشور قصد عبور از مرز را دارند که هر دو بازداشت شدند. دو متهم در بازجویی‌های پلیس به جرائم خود اعتراف کردند. تحقیقات برای کشف جرائم بیشتر متهمان جریان دارد.

دختر جوان گوش راننده شیطان صفت را کند

راننده شیطان صفت که در پوشش مسافرکشی دختران جوان را مورد آزار و اذیت قرار می‌داد فکر نمی‌کرد آخرین طعمه‌اش گوش او را با دندان‌هایش بکند.

به گزارش جوان، چند روز قبل دختر جوانی در یکی از خیابان‌های جنوبی تهران وحشت زده به اداره پلیس رفت و از راننده پرایدی به اتهام آزار و اذیت شکایت کرد.

وی گفت: ساعتی قبل در حالی که هوا تاریک شده بود از محل کارم در یکی از خیابان‌های مرکزی تهران بیرون آمدم که به خانه‌مان بروم. کنار خیابان منتظر تاکسی بودم که خودروی پرایدی که راننده آن مرد جوانی بود کنارم توقف کرد. تصور کردم مرد جوان مسافرکش است که مقصدم را به او گفتم و سوار خودرو شدم. راننده پس از طی مسافت کوتاهی به بهانه شلوغی خیابان‌ها مسیرش را تغییر داد که به او اعتراض کردم اما توجهی نکرد. احتمال دادم که او قصد آدم‌ربایی و سرقت اموالم را دارد که با داد و فریاد از او خواستم توقف کند اما مرد جوان که قوی هیکل بود چاقویی از زیر صندلی‌اش بیرون آورد و مرا تهدید کرد. او داخل کوچه خلوت و تاریک خودرواش را نگه داشت و با تهدید چاقو مرا آزار داد و بعد هم از محل گریخت.

با شکایت دختر جوان پرونده به دستور قاضی محمد حسین زارعی، بازپرس شعبه ششم دادسرای جنایی تهران برای رسیدگی در اختیار تیمی از کارآگاهان اداره شانزدهم پلیس آگاهی قرار گرفت.

همزمان با ادامه تحقیقات برای دستگیری راننده شیطان صفت مأموران پلیس با شکایت دختر جوان دیگری روبه‌رو شدند که حکایت از آن داشت این دختر هم در پوشش مسافرکشی مورد آزار و اذیت راننده پراید قرار گرفته است.

■ جدال دختر شجاع با راننده شیطان صفت

در حالی که شکایت‌ها از متهم به دو نفر رسیده بود به مأموران پلیس خبر رسید دختر جوان دیگری در جدال با راننده شیطان صفت گوش وی را با دندان‌هایش کنده و شماره خودرو او را هم یادداشت کرده است.

دختر جوان گفت: به عنوان مسافر سوار خودروی پرایدی بودم که متوجه شدم راننده آن نیت شومی دارد و به همین خاطر با او درگیر شدم. او مرد قوی هیکلی بود و مرا کتک زد که گوش او را گاز گرفتم و قسمتی از آن را کندم. در حالی که خون تمام لباس‌هایش را پوشانده بود از محل فرار کرد و من هم شماره پلاک او را یادداشت کردم.

■ دستگیری متهم

مأموران پلیس پس از بدست آوردن شماره پلاک خودرو، متهم را که مرد ۳۵ ساله‌ای به نام جمشید است شناسایی و وی را در حالی که قسمتی از گوشش را از دست داده بود دستگیر کردند. متهم در حالی که نشانه جدال با دختر شجاع را هنوز روی گوشش داشت جرم خود را انکار کرد. تحقیقات از متهم ادامه دارد.

قاتل: شب‌ها کابوس مرگ می‌دیدم

مرد صاحبخانه که متهم است در جریان درگیری با مستأجرشان، مهمان وی را به قتل رسانده است پس از جلب رضایت اولیای‌دم از جنبه عمومی جرم محاکمه شد. وی به دادگاه گفت که پس از حادثه هر شب در زندان کابوس مرگ دیده است.

به گزارش جوان، ۱۴ فروردین سال ۹۴ مأموران پلیس تهران از مرگ مشکوک پسر جوانی در یکی از بیمارستان‌های شهر باخبر و راهی محل شدند. بعد از حضور مأموران در محل آنها با جسد پیمان ۲۴ ساله روبه‌رو شدند که در جریان درگیری بر اثر اصابت چاقو زخمی شده اما بعد از انتقال به بیمارستان فوت کرده‌بود.

جسد با هماهنگی قضایی به پزشکی قانونی فرستاده شد تا اینکه در روند تحقیقات مشخص شد عامل قتل پسر صاحبخانه به نام هوشنگ است که بعد از قتل پیمان و زخمی کردن مستأجرشان ابراهیم متواری شده است.

به این ترتیب ابراهیم بعد از بهبودی مورد تحقیق قرار گرفت و در توضیح گفت: «همراه پدر و مادرم در طبقه‌دوم یک ساختمان زندگی می‌کردیم و منزلمان استیجاری بود. در طبقه پایین مرد صاحبخانه و دخترش زندگی می‌کردند و در طبقه سوم هم پسر صاحبخانه به نام هوشنگ همراه همسر و فرزندش زندگی می‌کردند. آن روز پدر و مادرم سفر بودند به همین خاطر با پیمان و یکی دیگر از دوستانم تماس گرفتم و آنها را به خانه‌مان دعوت کردم. بعد از صرف غذا مشغول جشن و پایکوبی بودیم که دختر صاحبخانه مقابل در آمد و با داد و فریاد اعتراض کرد. مقابل در رفتم و مشغول صحبت با او بودم که همان موقع هوشنگ هم آمد و با من درگیر شد. او خیلی عصبانی بود به همین دلیل دست به چاقو شد و مرا زخمی کرد. همان موقع پیمان برای هواخواهی از من وارد درگیری شد اما هوشنگ ضربه‌ای به سینه پیمان زد و او روی زمین افتاد.»

با طرح این شکایت، هوشنگ بازداشت شد. او در پلیس آگاهی تحت بازجویی قرار گرفت و در اظهاراتش گفت: «مدتی قبل پدرم طبقه دوم را به پدر و مادر ابراهیم اجاره داده بود. آن روز در خانه بودم که متوجه سر و صدا شدم. تصمیم گرفتم مقابل در خانه‌شان بروم و به آنها تذکر بدهم اما در راه پله‌ها متوجه شدم خواهرم مقابل در خانه آنهاست. وقتی در باز شد ابراهیم با لباس‌های خونین بیرون آمد. همان موقع در را بستم و به خانه‌ام رفتم.»

او در آخر گفت: «احتمال می‌دهم ابراهیم با دوستانش درگیر و مقتول در آن درگیری کشته شده است.»

با ثبت این اظهارات اما بنا به گواهی شاهدان متهم راهی زندان شد و پرونده به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد تا اینکه در اولین جلسه رسیدگی که در شعبه‌دوم دادگاه تشکیل شده بود اولیای‌دم درخواست قصاص کردند.

سپس متهم بار دیگر جرمش را انکار کرد، اما در مواجهه با سؤالات هیئت قضایی سرانجام به قتل اعتراف کرد و گفت: آن روز وقتی صدای خواهرم را شنیدم برای کمک به او مقابل خانه مستأجرمان رفتم، اما کار به درگیری کشید.

آنجا بود که دست به چاقو شدم و وقتی دوست ابراهیم وارد درگیری شد به او ضربه زدم و ناخواسته مرتکب قتل شدم. حالا درخواست گذشت دارم.

با اقرارهای متهم، وی به قصاص محکوم شد و این حکم در دیوان عالی کشور نیز تأیید شد. با تأیید رأی صادره متهم در آستانه مرگ قرار گرفت اما با پرداخت دیه توانست رضایت اولیای‌دم را جلب کند.

به این ترتیب متهم این بار از جنبه عمومی جرم در همان شعبه پای میز محاکمه ایستاد.

بعد از اعلام رسمیت جلسه متهم در جایگاه قرار گرفت و در آخرین دفاعش گفت: «شش سال در زندان بودم و هر شب کابوس مرگ می‌دیدم تا اینکه توانستم رضایت اولیای‌دم را جلب کنم. حالا از قضات دادگاه درخواست کمک دارم و تقاضا می‌کنم در مجازاتم تخفیف قائل شوند.»

در پایان هیئت قضایی وارد شور شد.

آدم‌ربایی و سرقت مسلحانه برای انتقام

کارگر جوان وقتی متوجه شد التماس‌های او به دو صاحبکارش برای ماندن در سر کار فایده ندارد سناریوی سرقت و آدم‌ربایی را طراحی و اجرا کرد.

به گزارش جوان، چندی قبل به مأموران پلیس پایتخت خبر رسید مرد فرش فروشی به‌طور ناگهانی ناپدید شده است.

همسر وی به مأموران گفت: شوهرم آرش همراه برادرش شایان مغازه فرش فروشی بزرگی در یکی از خیابان‌های شمالی تهران دارند. شب قبل مثل همیشه در خانه منتظر شوهرم بودم اما خبری از او نشد که با برادرش تماس گرفتم و فهمیدم او ساعت ۹ شب مغازه را بسته و راهی خانه شده است.

فکر کردم همراه دوستانش است اما چند ساعتی گذشت و خبری از او نشد و وقتی با دوستانش هم تماس گرفتم از شوهرم اطلاعی نداشتند که امروز صبح تصمیم گرفتم به اداره پلیس بیایم و برای پیدا کردن شوهرم درخواست کمک کنم.

■ شاگرد اخراجی

با شکایت زن جوان، مأموران پلیس به دستور قاضی سهرابی بازپرس شعبه نهم دادسرای امور جنایی تهران تحقیقات خود را برای یافتن مرد فرش فروش آغاز کردند. در حالی که مأموران هیچ ردی از مرد گمشده در بیمارستان‌ها و مراکز درمانی پیدا نکرده بودند، دوربین‌های مداربسته محل حادثه را مورد بازبینی قرار دادند.

دوربین‌های مداربسته نزدیک مغازه فرش فروشی تصویر مردی را ضبط کرده بود که با خودرواش راه خودروی مرد گمشده را سد می‌کند و او را با تهدید اسلحه به زور به داخل خودرواش می‌کشاند.

بررسی‌های مأموران پلیس نشان داد مرد آدم‌ربا فرشاد نام دارد و شاگرد اخراجی مرد گمشده است که چند سالی در مغازه آنها مشغول به کار بوده است. بدین ترتیب مأموران برای دستگیری متهم و رهایی مرد ربوده شده وارد عمل شدند که دریافتند متهم صاحبکار سابقش را به شهرستان محل اقامتش برده و در مکانی نامعلوم حبس کرده است. بدین ترتیب مأموران راهی شهرستان مورد نظر شدند که خبر رسید مرد ربوده شده در اطراف شهر به صورت دست و پا بسته رها شده و رانندگان عبوری او را نجات داده‌اند.

■ سرقت مسلحانه

دو هفته بعد از حادثه آدم‌ربایی و در حالی که تحقیقات برای دستگیری کارگر اخراجی ادامه داشت به مأموران پلیس گزارش شد متهم دوباره به تهران آمده و به فرش فروشی رفته و با تهدید اسلحه این بار مقدار زیادی پول، طلا و اجناس قیمتی و خودروی شاسی بلند شایان را سرقت کرده است.

شایان به مأموران گفت: در مغازه نشسته بودم که ناگهان فرشاد که مسلح به سلاح جنگی بود وارد مغازه شد و مرا تهدید به مرگ کرد. خیلی ترسیده بودم و از ترس جانم هیچ کاری انجام ندادم که او دست و پایم را با طناب بست و بعد به زور سوئیچ خودروی شاسی بلندم را گرفت و در ادامه هم مرا مجبور کرد در گاوصندوق را باز کنم و تمامی طلاها، سکه‌ها و پول‌های داخل گاوصندوق و حتی مقدار زیادی زعفران که خریده بودیم سرقت و با خودروام از محل فرار کرد.

■ دستگیری متهم در ایست و بازرسی پلیس

بدین ترتیب متهم برای دومین بار تحت تعقیب مأموران پلیس قرار گرفت تا اینکه یک روز بعد از حادثه مأموران ایست و بازرسی به متهم که سوار بر خودروی شاسی بلند سرقتی بود مشکوک شدند و دستور ایست دادند. متهم با دیدن مأموران به سرعت از محل گریخت اما در یک تعقیب و گریز کوتاه متوقف و دستگیر شد.

مأموران داخل خودروی سرقتی علاوه بر مقدار زیادی طلا، سکه و وسایل سرقتی دیگر اسلحه جنگی کشف کردند. متهم در بازجویی‌های اولیه مدعی شد که خودرو و وسایل داخل آن را از صاحبکارش به جای طلبش گرفته است، اما در بررسی‌های بعدی مشخص شد وی به خاطر آدم‌ربایی و سرقت مسلحانه از مدتی قبل تحت تعقیب مأموران پلیس است.

■ کینه داشتم

متهم پس از انتقال به تهران در بازجویی‌ها به آدم‌ربایی و سرقت مسلحانه اعتراف کرد و در توضیح ماجرا گفت: چند سال برای دو برادر در مغازه‌شان کارگری کردم و در این مدت هم همیشه سعی کردم صادقانه برای آنها خدمت کنم و به همین خاطر انتظار داشتم آنها هم از من پشتیبانی کنند، اما مدتی قبل به خاطر بیماری کرونا و کساد شدن بازار فرش مرا از مغازه اخراج کردند. هر چقدر اصرار کردم و به آنها گفتم که جوانی‌ام را برای آنها گذاشته‌ام فایده‌ای نداشت و در نهایت اخراج شدم. پس از آنها کینه به دل گرفتم و تصمیم گرفتم برادر بزرگتر را بربایم و از او اخاذی کنم. من او را در نزدیکی مغازه‌اش به زور سوار خودروام کردم و به زور او را به خانه باغی در شهرستان محل زندگی‌ام منتقل کردم. وقتی آنجا رسیدیم متوجه شدم که مأموران مرا شناسایی کرده‌اند و در تعقیب من هستند. برای اینکه گرفتار مأموران نشوم گروگان را آزاد کردم اما دو هفته بعد تصمیم گرفتم این بار از مغازه آنها سرقت کنم. روز حادثه با اسلحه وارد مغازه دو برادر شدم که شایان داخل مغازه بود و با تهدید مقداری پول، طلا و خودرواش را سرقت کردم که در ایست و بازرسی دستگیر شدم.

متهم برای ادامه تحقیقات به دستور عظیم سهرابی در اختیار مأموران پلیس قرار گرفت.

کودک گمشده پیدا شد

پسربچه هشت ساله که در یکی از روستاهای شهرستان زنجان ناپدید شده بود با تلاش امدادگران به آغوش خانواده‌اش بازگشت.

غفور آقاجانلو، معاون امداد و نجات جمعیت هلال احمر استان زنجان توضیح داد: بامداد روز گذشته اعضای خانواده‌ای در روستای قره‌تپه زنجان گم شدن پسربچه هشت‌ساله را به امدادگران خبر دادند. لحظاتی بعد تیمی از امدادگران به همراه سگ زنده‌یاب در محل حاضر شده و تجسس برای یافتن کودک را شروع کردند. امدادگران پس از سه ساعت تلاش موفق شدند طفل را حوالی روستا پیدا کرده و به خانواده‌اش تحویل دهند.

شکار عقاب در لواسان

سخنگوی آتش‌نشانی تهران از صید عقاب شکاری در یکی از منازل مسکونی لواسان خبر داد.

به گزارش جوان، جلال ملکی گفت که ساکنان خانه‌ای در لواسان به آتش‌نشانان خبر دادند که پرنده شکاری در خانه آنها فرود آمده و باعث ترس ساکنان شده است. بعد از آن بود که آتش‌نشانان در محل حاضر شده و پرنده شکاری را صید کرده و به محیط‌بانی منطقه تحویل دادند.

مرگ موتورسوار در بی‌احتیاطی راننده اتوبوس

بی‌احتیاطی راننده اتوبوس شهری مرگ موتورسوار را رقم زد.

به گزارش جوان، سرهنگ احسان مؤمنی رئیس اداره تصادفات پلیس راهور فاتب توضیح داد: ساعت ۱۵:۳۰ روز یک‌شنبه مأموران پلیس راهور از حادثه رانندگی در شمال به جنوب خیابان کارگر بعد از میدان قزوین با خبر شده و در محل حاضر شدند.

بررسی‌های اولیه نشان داد که راکب موتورسیکلت در تصادف با اتوبوس شهری فوت شده است.

تحقیقات بیشتر نشان داد اتوبوس شرکت واحد در خط ویژه در حال حرکت بوده که به علت تجاوز به چپ از مسیر مجاز خارج شده و پس از تصادف با موتورسیکلتی که در مسیر جنوب به شمال در حال حرکت بوده راکب به زمین سقوط کرده و به علت برخورد سرش با زمین جان باخته است.

سرهنگ مؤمنی گفت: حوادث رانندگی به دلیل بی‌توجهی راننده به قوانین راهنمایی و رانندگی اتفاق می‌افتد. وی ادامه داد: بخش مهمی از دلایل فوت راکبان موتورسیکلت هم به علت عدم استفاده آنها از کلاه ایمنی اتفاق می‌افتد.

آگهی مفقودی

برگ سبز وسند کمپانی ماشین سواری پژو ۴۰۵جی ال ایکس آی ۱/۸ به رنگ مشکی متالیک به شماره موتور ۲۲۵۶۸۲۰۴۵۹۳وبه شماره شاسی ۸۲۰۲۵۰۹۲به شماره پلاک ۸۸ی ۵۴۳ایران ۱۵به نام آسیه زرعی مفقودشده واز درجه اعتبار ساقط میگردد.

آگهی مفقودی

برگ سبز کامیونت ون نیسان ۲۴۰۰ مدل ۸۳
پلاک ۷۳-۴۴۲د ۱۱
ش موتور ۲۴۱۰۴۷ ش شاسی d۳۵۹۸۳
به نام: علی میرزایی فرزند نظرعلی
کد ملی ۲۴۹۰۹۶۲۲۹۴ مفقود و از درجه اعتبار ساقط است. / شیراز

آگهی مفقودی

سند و برگ سبز سواری پراید جی تی ایکس آی مدل ۸۵
پلاک ۷۳- ۳۴۴ ج ۱۶ ش موتور ۱۵۹۷۹۰۱ ش شاسی ۱۴۱۲۲۸۵۸۸۵۸۶۷ به نام: علی اکبر عبداللهی فرزند غلامعباس
کد ملی ۶۵۶۹۸۸۵۶۸۵
مفقود و از درجه اعتبار ساقط است. / شیراز

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه آقای شهریار رباط جزی به شماره ملی ۰۹۲۵۶۵۰۷۰۶ برابرقیم نامه ۱۳۹۹۰۲۵۰۰۵۹۶۵۹۷-۱۳۹۹/۰۷/۰۲ شعبه ۳سرپرستی دادسرای عمومی وانقلاب ناحیه ۵ مشهد از طرف خانم شهرزاد رباط جزی و به استناد اوراق استشهادیه جهت دریافت سند مالکیت المثنی نوبت اول به این اداره مراجعه نموده و مدعی است سند مالکیت یک دانگ و نه صدم دانگ مشاع از ششدانگ پلاک ۶۸۷۲فرعی از ۱۱اصلی بخش نه مشهد، به علت سهل انگاری مفقود گردیده است. با بررسی دفتر املاک معلوم شد یک دانگ و نه صدم دانگ مشاع از ششدانگ پلاک ثبتی فوق ذیل دفتر ۲۸۲۸ صفحه ۲۲۶ شماره ثبت ۴۴۲۱۰۸ بنام خانم شهرزاد رباط جزی ثبت و سند مالکیت به شماره ۹۱۳۱۹۰_(۹۱۰ه) صادر گردیده است. دفتر املاک بیش از این حکایتی ندارد لذا به استفاده ماده ۱۲۰ اصلاحی قانون ثبت، مراتب یک نوبت آگهی و متذکر میگردد هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله ای انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود میباشد، بایستی ظرف مدت ده روز از تاریخ انتشار آگهی اعتراض کتبی خود را به پیوست اصل سند مالکیت یا سند معامله رسمی به این اداره تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض در مهلت مقرر و یا وصول اعتراض بدون ارائه سند مالکیت یا سند معامله رسمی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی و تسلیم آن به متقاضی اقدام خواهد شد. ثبت اسناد و املاک ناحیه ۵ مشهد مقدس / م الف ۶۲۰

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه آقای جعفر رمضان زاده طبق وکالتنامه شماره ۲۰۰۵۹۷ مورخ ۱۳۹۹/۰۷/۱۰ دفتر اسناد رسمی ۴۷ مشهد از آقای محمد رضا نیل چی به استناد اوراق استشهادیه جهت دریافت سند مالکیت المثنی نوبت اول به این اداره مراجعه نموده و مدعی است سند مالکیت ششدانگ یک قطعه زمین به شماره پلاک ۸۴۹ فرعی از ۸اصلی بخش نه مشهد مفقود شده است با بررسی دفتر املاک معلوم شد مالکیت نامبرده ذیل دفتر شماره ۱۳۳ صفحه ۴۹۵ به شماره ۲۰۴۰۷ ثبت و سند مالکیت به شماره ۰۶۷۳۷۴ صادر گردیده است. دفتر املاک بیش از این حکایتی ندارد لذا به استناد ماده اصلاحی قانون ثبت، مراتب یک نوبت آگهی و متذکر میگرددهر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله ای انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود میباشد بایستی ظرف مدت ده روز از تاریخ انتشار آگهی اعتراض کتبی خود را به پیوست اصل سند مالکیت یا سند معامله رسمی به این اداره تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض در مهلت مقرر و یا وصول اعتراض بدون ارائه سند مالکیت یا سند معامله رسمی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی و تسلیم آن به متقاضی اقدام خواهد شد.
ثبت و اسناد املاک ناحیه ۵ مشهد مقدس / م الف ۶۲۲

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه آقای شهریار رباط جزی به شماره ملی ۰۹۲۵۶۵۰۷۰۶ به استناد اوراق استشهادیه جهت دریافت سند مالکیت المثنی نوبت اول به این اداره مراجعه نموده و مدعی است سند مالکیت دودانگ و شانزده صدم دانگ مشاع از ششدانگ پلاک ۶۸۷۲فرعی از ۱۱فرعی از ۱اصلی بخش نه مشهد، به علت سهل انگاری مفقود گردیده است. بابررسی دفتر املاک معلوم شد دو دانگ و شانزده صدم دانگ مشاع از ششدانگ پلاک ثبتی فوق ذیل دفتر ۲۸۲۸ صفحه ۲۳۲ شماره ثبت ۴۴۲۱۱۰ بنام وی ثبت و سندمالکیت به شماره ۹۱۳۱۹۲-(ه ۹۱۰) صادر گردیده است. دفتر املاک بیش از این حکایتی ندارد لذا به استناد ماده ۱۲۰ اصلاحی قانون ثبت ،مراتب یک نوبت آگهی و متذکر میگردد هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله ای انجام داده یا مدعی وجود سندمالکیت نزد خود میباشد بایستی ظرف مدت ده روز از تاریخ انتشار آگهی اعتراض کتبی خود را به پیوست اصل سند مالکیت یا سند معامله رسمی به این اداره تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض در مهلت مقرر و یا وصول اعتراض بدون ارائه سند مالکیت یا سند معامله رسمی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی و تسلیم آن به متقاضی اقدام خواهد شد.
ثبت و اسناد املاک ناحیه ۵مشهد مقدس / م الف ۶۲۱

آگهی مفقودی

سند مالکیت موتورسیکلت راهان تیپ ۱۲۵CDI مدل ۱۳۸۹ به رنگ قرمز-زرشکی به شماره پلاک ۳۹۴-۳۱۹۵۷ به شماره تنه NEA***۱۲۵R۸۹۵۰۱۹۷ به شماره موتور NEA*۱۰۴۹۱۴۳ متعلق به غلامرضا جودی فرزند بهمن به شماره ملی ۱۵۵۰۳۶۴۳۵۹ به شماره شناسنامه ۳۶۸۲۸ صادره از مراغه مفقود و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

آگهی مفقودی

سند و برگ سبز و برگه کمپانی خودرو سواری ۲۰۶ مدل ۱۳۸۲ پلاک ایران ۶۸- ۲۱۶و۱۲ به شماره موتور ۱۰fsf۹۴۳۹۰۹۹۱ و شماره شاسی ۸۲۶۲۱۶۴۳ به نام محمدرضا معظمی گودرزی فرزند حسین به شماره ملی ۴۱۳۳۰۵۱۳۷۸ مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

متن آگهی آگهی تغییرات شرکت تعاونی شماره پنجاه و پنج ماکوبه شماره ثبت ۴۷۲ و شناسه ملی ۱۰۲۲۰۰۲۶۲۲۰ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۰۸/۰۸/۱۳۹۹ و نامه شماره ۲۵۶۶۰ مورخ ۲۶/۱۲/۱۳۹۹ اداره تعاون کار و رفاه اجتماعی شهرستان شوط تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ۱ - شرکت مذکور در تاریخ فوق منحل اعلام گردید. اداره کل ثبت اسناد و املاک استان آذربایجان غربی مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری ماکو (۱۱۲۲۴۸۶)

آگهی مفقودی

آگهی تغییرات شرکت تعاونی شماره پنجاه و پنج ماکوبه شماره ثبت ۴۷۲ و شناسه ملی ۱۰۲۲۰۰۲۶۲۲۰ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۰۸/۰۸/۱۳۹۹ و نامه شماره ۲۵۶۶۰ مورخ ۲۶/۱۲/۱۳۹۹ اداره تعاون کار و رفاه اجتماعی شهرستان شوط تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ۱ - شرکت مذکور در تاریخ فوق منحل اعلام گردید. اداره کل ثبت اسناد و املاک استان آذربایجان غربی مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری ماکو (۱۱۲۲۴۸۶)